نشریه علمی آفاق اطلاعات

کهن الگوهای ملی - مذهبی در تقویت گفتمان مقاومت: (مطالعه موردی جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی)

منصور نوروزی[1]

۶
سال دوم
تابستان ۱۴۰۴
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۵/۰۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۶/۲۶
صص: ۱۳۶-۱۱۱

چکیده

درمواجهه با بحران های نظامی ،جوامع نیازمند سازوکارهایی برای حفظ انسجام روانی و اجتماعی هستند.گفتمان مقاومت در ایران،با تکیه بر کهن الگوهای ملی و مذهبی،یکی از موثرترین ابزار ها برای تقویت تاب آوری روانی در شرایط جنگی محسوب می شود.این مقاله با تمرکز بر جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴،به بررسی نقش هم افزایی نماد های ملی (مانند وطن پرستی،غرور تاریخی،و اسطوره های ایرانی)و مذهبی(مانند عاشورا،شهادت،انتظار و ظلم ستیزی)در شکل گیری گفتمان مقاومت و تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه می‌پردازد. در این میان ،جنگ روانی دشمن نیز به عنوان یک مولفه تهدید کننده،تلاش داشت با بهره گیری از، ابزار های رسانه ای،انتشارات اخبار جعلی،بزرگ نمایی تلفات و القای نا امیدی،انسجام روانی جامعه را تضعیف کند.با این حال،هم افزایی کهن الگو های فرهنگی و دینی در ایران،توانست با تولید روایت های امید بخش،بازنمایی قهرمان ملی و مذهبی،تقویت حس تعلق جمعی ،اثرات جنگ روانی را تا حد زیادی خنثی کند.رسانه های داخلی با تلفیق نماد های مقاومت و بازآفرینی روایت های تاریخی،بستر تخلیه هیجانی ،آرام سازی روانی و بازسازی اعتماد عمومی را فراهم ساختند.این پژوهش با بهره گیری از نظریه های تحلیل گفتمان انتقادی(فرکلاف،فان دایک)و مطالعات فرهنگی ،نشان می دهد که گفتمان مقاومت در ایران ،نه تنها ابزاری سیاسی و امنیتی ،بلکه سازوکاری روانی و اجتماعی برای مدیریت بحران و حفظ سلامت روانی جامعه است. این پژوهش از نوع توصیفی – تحلیلی با رویکرد کیفی انجام می شود.هدف آن،بررسی نحوه ی باز نمایی و هم افزایی کهن الگو های ملی و مذهبی در گفتمان مقاومت و تحلیل تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه در مواجهه با جنگ روانی دشمن است. در پایان پیشنهاد می شود برای بهره گیری از این ظرفیت در سیاست گذاری فرهنگی و رسانه‌ای مد نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: **گفتمان مقاومت، کهن الگوهای ملی و مذهبی ، یونگ و جنگ ایران و رژیم صهیونیستی.**

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، زبان های خارجه و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی لرستان ، شهرخرم آباد ، کشور ایران.

مقدمه و بیان مسئله

در عصر بحران‌های پیچیده و چند لایه،جنگ ها دیگر صرفاً در میدان نبرد نظامی رخ نمی‌دهند،بلکه در عرصه‌های روانی،رسانه ای و فرهنگی نیز گسترش یافته اند.جنگ های نوین،به ویژه در منطقه غرب آسیا، با بهره‌گیری از ابزارهای جنگ روانی،تلاش می‌کنند انسجام اجتماعی،سلامت روانی و مقاومت مردمی را هدف قرار دهند.در چنین شرایطی ،جوامعی که پشتوانه‌های فرهنگی و اعتقادی غنی برخوردارند،توانایی بیشتری در مقابله با این تهدیدات دارند. ایران، به عنوان کشوری با تمدنی چند هزار ساله و میراثی عمیق از کهن الگوهای ملی و مذهبی،در مواجهه با بحران های نظامی ،همواره از گفتمان مقاومت بهره گرفته است.این گفتمان،ترکیبی از کهن الگوهای ملی چون آرش کمانگر،رستم،کوروش و نماد های مذهبی چون عاشورا،امام حسین (ع) و فرهنگ شهادت و انتظار است که در ناخوداگاه جمعی ایرانیان ریشه دارد.

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴، نمونه ای بارز از این هم افزایی بود.در این جنگ،رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از جنگ روانی ،تلاش کرد با انتشار اخبار جعلی،بزرگ نمایی تلفات،القای ناامیدی ،روحیه مردم ایران را تضعیف کند.در مقابل،رسانه های داخلی ،نهاد های فرهنگی و مذهبی،کنش های مردمی با بازنمایی نمادهای مقاومت،روایت‌های امید بخش و بازآفرینی اسطوره های ملی و مذهبی ،توانستند اثرات این جنگ روانی را تا حد زیادی خنثی کرده و تاب آوری جامعه را تقویت کنند. در کتاب «انسجام مذهبی در ایران و ارتباط آن با امنیت ملی که توسط یاور عیوضی و همکاران نوشته شده به صراحت نقش گفتمان مقاومت در مقابله با تهدیدهای نرم و جنگ‌های روانی اشاره شده است. نویسندگان معتقدند: نهادهای مذهبی، با تولید اطلاعات اخلاق محور و تقویت گفتمان دینی مشترک، می‌توانند در برابر جریان‌های افراطی و اطلاعات نادرست ایستادگی کنند. انسجام مذهبی در ایران، نه تنها عامل همبستگی اجتماعی است، بلکه نقش کلیدی در پایداری امنیت ملی و مقابله با تهدیدهای اطلاعاتی ایفا می‌کنند» (عیوضی و همکاران،۱۴۰۳: ۴۷).

در عصر بحران های چند لایه، از جنگ‌های نظامی گرفته تا نبردهای رسانه‌ای ، انسجام ملی به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی در مدیریت افکار عمومی و تقویت همبستگی اجتماعی شناخته می‌شود . جوامعی که هویت ملی و مذهبی در هم تنیده‌اند. «جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل ،

نمونه‌ای بارز از تقابل چند لایه نظامی ،اطلاعاتی و رسانه ای بود . در این جنگ رسانه‌های رسمی ، نهادهای مذهبی و شبکه‌های اجتماعی با تولید و بازنشر پیام‌های منسجم، توانستند الگوهای ملی مانند دفاع از وطن، شهدا، استقلال والگوهای مذهبی مانند عاشورا ، مقاومت اسلامی و ولایت محوری را به صورت هم افزا در گفتمان عمومی تثبیت کند».(جعفری هزارانی،۱۴۰۴: ۱۲). این مقاله با رویکردی تحلیلی و میان رشته ای ، به بررسی نقش هم افزایی کهن الگو های ملی و مذهبی در شکل گیری گفتمان مقاومت و تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل می پردازد.در این پژوهش سعی بر آن می رود ضمن توضیح چارچوب نظری تحلیل گفتمان به مثابه روش و نظریه، مفهوم مقاومت و امنیت و توضیح کهن الگوها در نظریه‌ی ناخوداگاه جمعی یونگ؛ هم افزایی کهن الگو های ملی و مذهبی و تاثیر آن در گفتمان مقاومت با محوریت مداحی ها و دیگر تلاش های که در این زمینه شده مورد بررسی قرار می گیرد..

مبانی نظری

پژوهش حاضر در پی تبیین نحوه هم افزایی کهن الگوهای ملی و مذهبی در تقویت گفتمان مقاومت در برابر جنگ روانی است.این هم افزایی نه تنها به تقویت مفهوم هویتی در جامعه منجر می شود،بلکه به مثابه ابزاری گفتمانی،توان مقابله با تهدیدات نمادین و روانی دشمن را افزایش می دهد.

۱.تحلیل گفتمان

نظریه گفتمان به عنوان روشی برای تحلیل گفتمان های سیاسی-اجتماعی امری بدیع محسوب می شود و به چارچوبی نظری یک تحقیق برای رسیدن به هدف پژوهش کمک می کند.نخستین گام ها در ایجاد نظریه گفتمان را فردینان دو سوسور۱۹۱۳-۱۸۵۷برداشت .وی با ساختن اصطلاح" نشانه شناسی" که از نظر او ،علم پژوهش نظام های دلالت معنایی است؛ زبان را که یکی از مهم ترین این نظام هاست،در مرکز توجه خویش قرار داد.عنصر اصلی زبان در نظریه سوسور، نشانه هاست.رابطه ای ذاتی میان نشانه و مصداق یا جهان خارج وجود ندارد. به این ترتیب، معنای نشانه‌ها نه با ارجاع به جهان مصداق ها، بلکه به واسطه رابطه‌ای که میان خود نشانه ها در درون نظام نشانه شناختی زبان برقرار می‌شود، به دست می‌آید.برای نمونه مفهوم پدر در تمایز با مادر،

برادر،خـواهر و ماننـد آن درک مـی شود.تشـکیل معنـا بـر اسـاس نظـام تفاوتهـا در درون نظـام نشـانه شـناختی زبـان و بـدون ارجـاع بـه خارج،گـام بسـیار مهمـی بـود کـه سوسـور برداشـت .نشـانه هـا،دال و مـدلول را بـه هـم مـرتبط مـی کننـد،ولی هـیچ ارتبـاط ضـروری و طبیعـی حتـی وضـعی نیـز میـان دال و مـدلول وجـود ندارد،رابطـه دال و مـدلول اختیـاری و اتفـاقی است.سوسـور زبـان را بـه بـازی شـطرنج تشـبیه مـی کنـد کـه هـر نشـانه،هویت و ارش خـود را در ارتبـاط بـا دیگـری و در چـارچوب یـک نظـام قواعـد بـه دسـت مـی آورد(سوسـور،۱۳۷۸: ۱۲۶).نظریـه گفتمـان نظریـه توسـه یافتـه اسـت کـه توسـط ارنسـتو لاکـلاو و نیـز شـنتال موفـه طراحـی شـد.نظریه گفتمـان بـا نقـش معنـادار رفتارهـا و ایـده هـای اجتمـاعی در زنـدگی سیاسی،سـروکار دارد.ایـن نظریـه بـه تحلیـل شـیوه ای مـی پـردازد کـه طـی آن سیسـتم هـای معـانی یـا گفتمـان هـا،فهم مـردم از نقـش خـود را در جامعـه را تشـکیل مـی دهنـد.(دین پرسـت،۱۳۸۹: ۳۲)از ایـن دیـدگاه قابلیـت تبیـین سـاختار درونـی یـک اندیشه،توضـیح چگـونگی جـذب مفـاهیم جدیـد در یـک گفتمـان و تغییـر و تطبیـق آنهـا در مفصـل بنـدی جدید،توضـیح چگـونگی جـذب مفـاهیم جدیـد در یـک گفتمـان و تغییـر و تطبیـق آنهـا در مفصـل بنـدی جدید،توضـیح رقابـت و غیریـت سـازی بـین گفتمـان هـا و سـرانجام توضـیح تحـول و فراینـد افـول گفتمـان هـای مسـلط و غلبـه گفتمـان هـای جدیـد از مزایـای الگوهـای تحلیلی لاکلاو و موفه است(بهروز لک،۱۳۸۶: ۵۵۵).

۲.مفهوم مقاومت

مقاومـت اسـلامی در برابـر ظلم،تجـاوز و اشـغالگری ،دیـن ستیزی،سـلطه اسـتکبار و متحـدان ان هـا شـکل گرفتـه و هـدفش حفـظ حقـوق ،دفـع سـتم،رفع اشـغال،حفظ اسـتقلال،جلوگیری از سـلطه و حفـظ دارایـی ها،مطـابق آمـوزه هـا و احکـام دیـن مـی باشـد.عدالت محـوری،ظلم سـتیزی،دفاع مظلـوم و نفـی سـلطه کفـار،از جملـه مهـم تـرین مولفـه هـای آن اسـت،مقاومت درونی،مبـارزه بـا امیـال نفسـانی اسـت و مقاومـت بیرونـی ، مبـارزه بـا تجـاوز، تهـاجم و اشـغالگری(میر قـادری و کیـانی،۱۳۹۱: ۷۱). محـور مقاومـت یـا جبهـه مقاومـت بـه مجموعـه ای از کشـورها و همچنـین گـروه هـای نظـامی مسـلمان و شـیعه گفتـه مـی شـود کـه هـدف آن

هـا پایـان دادن بـه تسـلط غـرب در منطقـه غـرب آسـیا،مبارزه بـا اسـرائیل و دفـاع از آزادی فلسـطین اسـت(محمدی سـیرت و ترابـی اقـدام،۱۳۹۶: ۶۳).ترکیـب محـور مقاومـت اولـین بـار پـس از آن بـه کـار بـرده شـد کـه جـرج بـوش رئـیس جمهـور آمریکـا در بهمـن سـال ۱۳۸۰ ش (۲۹ ژانویـه ۲۰۰۲م)،کشـورهای ایران،عـراق و کـره شـمالی را "محـور شـرارت" خواند.مجلـه لیبیـایی الزحـف االخضـر در پاسـخ بـه ایـن موضـع گیری،کشـورهای مـذکور را نـه محـور شـرارت بلکـه محـور مقاومـت نامیـد کـه در برابـر ایـالات متحـده آمریکـا قـرار گرفتـه انـد(کریمی،۱۳۹۶: ۳).در واقـع توانـایی کشـور در دفـع تهدیـد هـای خـارجی علیـه حیـات سیاسـی یـا ملی،تـأمین امنیـت ملـی بـه شـمار مـی رود(برژنسـکی،۱۳۶۹: ۱۲).بـرای رسـیدن بـه امنیـت پایدار،همـه حـوزه هـای سیاسـی،فرهنگی ،اعتقادی،اجتماعی،نظـامی و سـایبری بـه کـار گرفتـه مـی شـودتا ارزش هـای اساسـی مـورد هجـوم قـرار نگیرد(نـوروزی،۱۳۸۵: ۱۳۱)،بـا ایـن وصـف،آنچه در گفتمـان و آرمـان انقـلاب اسـلامی و تـاثیر گـذاری انقـلاب اسـلامی در سـطوح وطنـی ،منطقـه ای و فـرا منطقـه ای ،حفـظ و تعمیـق ارزش هـای اساسـی اسـت و بـر ایـن مبنـا،تلاش مـی کند،سـبب گسـترش و توسـعه امنیـت خواهـد شـد.جنگ ۱۲ روزه میـان ایـران و اسرائیل،نمونه ای بـارز از مواجهـه چنـد بعـدی بـود کـه در آن نـه تنهـا ابزارهـای نظـامی ،بلکـه رسـانه ها،نمـاد ها،روایـت هـای فرهنگـی نیـز بـه میـدان آمدنـد.گفتمان مقاومـت بـه عنـوان ابـزاری فرهنگـی و روانـی بـرای مقابلـه بـا تهدیـدات چـن لایـه اهمیـت ویـژه ای یافتـه اسـت.در ایـن میـان کهـن الگـو هـای ملـی و مذهبی،بـه مثابـه عناصـر ریشـه دار در حافظـه جمعـی نقـش کلیـدی در شـکل دهـی بـه انسـجام اجتمـاعی و تقویـت روحیـه عمـومی ایفـا مـی کننـد.در واقـع ایـن هـم افزایـی ملـی و مـذهبی توانسـت گفتمـانی خلـق کنـد کـه در برابـر جنـگ روانـی دشمن،ایستادگی کند و انسجام ملی تقویت نماید.

۳.کهن الگوهای فرهنگی و حافظه جمعی

رویکـرد اسـطوره‌ای در ادبیـات معاصـر ایـران جایگـاه ویـژه ای دارد: زیـرا هنگـامی کـه یـک سـرزمین مـورد هجـوم بیگانگـان قـرار مـی‌گیـرد، نیـاز بـه قهرمـان سـازی و قهرمـان پـروری دارد. شـاعران بـا بـاز آفرینـی شخصـیت هـای تـاریخی، ملـی و دینـی ، احسـاس قـدرت مـدوام

،پایداری و بقا در مقابل سلطه‌ی بیگانگان را تقویت کرده و استقرار و ثبات خویش را به رخ دشمنان کشیدند.آنان در این راه از اسطوره‌ها به عنوان نماد استفاده کرده و از آن برای کشف و شهود و باز آفرینی حقیقت یاری می جویند(لک،۱۳۸۴: ۶۴). آرکی تایپ قهرمان، رایج ترین و شناخته شده ترین نوع اسطوره است. واژه‌ی (ArchedType) در زبان فارسی به معنای «نمونه‌ای آرمانی»، «کهن‌الگو»، «نمونه برین» و جز آن ترجمه کرده‌اند. کهن‌الگو یکی از مشهورترین اصطلاحات در مکتب یونگ است. کارل گوستاو یونگ روانشناس مشهور سوئیسی است که ابتدا از شاگردان برجسته مکتب فروید بوده اما راه استاد را نپوییید و در تقابل با اندیشه‌های فروید، روان آدمی به سه بخش خودآگاه «نهاد» نیمه‌آگاه «فرامن» و ناآگاه «من» تقسیم می کند که این سه به ترتیب تحت سیطره‌ی اصل لذت، اصل اخلاق و اصل واقعیت قرار دارند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۵۶). شاید بتوان گفت کهن‌الگو مبین آن جنبه‌ی از روان‌شناسی مورد توجه یونگ است که بیشتر از هر جنبه‌ی دیگری وارد مفاهیم نظری دوره ما شده است. یونگ در توصیف کهن‌الگو چنین می‌نویسد: «محتوایی ناخودآگاه که از راه خودآگاه شدن و نیز از راه ادراک شدن، دگرگون می گردد و ویژگی‌هایش را از ذهنیت مفردی کسب می-کند که به هر دلیل در آن حادث شده است.» (بیلسکر، ۱۳۸۴: ۵۱). یونگ این بخش از روان ناخودآگاه را ناخودآگاه جمعی (collective) می‌نامد که نه توسط فرد کسب می-شود و نه حاصل تجربه شخصی اوست، بلکه فطری و همگانی است و از محتویات و رفتارهایی برخوردار است که زمینه‌ی روانی مشترکی را تشکیل می‌دهد و دارایی هویتی فوق بشری است. (یونگ: ۱۳۶۸، ۱۴). فروید و یونگ، تقریبا هم زمان با هم تحقیق در ادبیات عامیانه و اساطیری را آغاز کردند اما به نتایج متفاوتی دست یافتند. هر دو به خوبی درک کرده‌بودند میان رؤیاهای انسان و اسطوره‌هایش نزدیکی و پیوندی وجود دارد اما فروید از اسطوره‌ها برای بازشناسی تعارض‌ها و کشمکش‌های روان فردی کمک گرفت و یونگ با رسیدن به مفهوم ناخودآگاهی جمعی، به دنبال دست‌یابی به الفبای زبانی مشترکی و همگانی بود. فرو بردن اسطوره‌ها و انگاره‌های روانی در مه گذشته‌های دور از دسترس تاریخ موجب شد راه یونگ از راه فروید جدا شود (یاوری،

۱۳۸۲: ۳۷۲).یونگ به دو گونه ناخودآگاه معتقد بود: فردی و جمعی. ناخودآگاه جمعی میراثی است از زندگانی تاریخی گذشته، از زندگی نیاکان و حتی از دورانی که بشر در مراحل حیوانی می‌زیست و از این رو به خاطره ناخودآگاه نژادی می‌رسد (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۲۷). به اعتقاد یونگ، کهن‌الگوها ماهیتی جهان شمول دارند و موجودیت‌شان از شکل‌گیری مغز و ذهن انسان در طول تاریخ ناشی شده است (بیلسکر، ۱۳۸۴: ۵۲). بدین ترتیب هنر و ادبیات از راه کهن‌الگوها به تاریخ قدیم همه افراد بشر می‌پیوندد و هر خواننده به نوعی خود را ناخودآگاه در آن باز می‌یابد. همه‌ی مردم در ناخودآگاه جمعی سهیم هستند (شمیسا، ۲۲۷:۱۳۷۸) .یونگ در چندین اثر مختلف خود به بحث درباره‌ی کهن‌الگوها می‌پردازد. او از راه تحلیل رؤیاهای بیماران و نیز از راه مطالعه در خصوص شکل و محتوای اسطوره به کشف کهن‌الگوها نائل شد.کهن‌الگو طرح کلی رفتارهای بشری است که منشأ آن همان ناخودآگاه جمعی است. به بیان دیگر کهن‌الگو محتویات ناخودآگاه جمعی است. صورمثالی در رؤیاها و توهم و خیال پردازی و هنر و ادبیات خود را به ما نشان می‌دهد و به طور کلی بر ما نظارت و نفوذ دارد. (همان: ۲۲۷). نزدیک به بحث آرکی‌تیپ، بحث پروتوتایپ (Proto type) یا نمونه ازلی و فرد یا فرد اعرف و اجلی باستانی است. الگوی ازلی معشوقه در ادبیات فارسی، فرشته و پری است و الگوی ازلی پهلوانان رستم و پروتوتایپ مشایخ و اولیا، پیامبران و پروتوتایپ پیامبران، خدایان هستند (همان: ۲۲۹). پروتوتایپ‌ها همان الگوهای اولیه و خمیر مایه‌های هستند که نویسنده از جای وام می‌گرفته و با شاخ و برگ دادن به آن شخصیت‌ها داستانش را خلق می‌کند «نمونه اولیه، به عنوان نهاد (تز) با جریان ذهن و نیروی خلاقانه نویسنده برخورد می‌کند و حاصل این رویارویی هم‌نهادی (سنتز) است که کارکتر خلق شده توسط نویسنده است (دقیقیان، ۱۳۸۷: ۲).دقیقیان به عنوان نخستین کسی است که در ایران اثری مستقل درباره پروتوتایپ نگاشته، در این باب می‌نویسد: تخیل هنرمندانه در تاروپود یک پروتوتایپ نفوذ می‌کند و مانند ماده‌ای اسرارآمیزی از جسم سخت آن، سیالی شکل پذیر می‌سازد و سپس آن را مناسب سلیقه و اندشه‌های خود و نیز مطابق طرح کلی اثر ادبی شکل می‌دهد. همین تخیل است که در برخورد کشاکشی با

پروتوتایپ، نقش اصلی را بازی می‌کند و آن را به موجودی مستقل تغییر شکل می‌دهد. گاه نویسنده پروتوتایپ خود را در محور زمان و مکان جابجا می‌کند و کارکتر را در زمان و مکان دیگری جای می‌دهد (همان: ۶۲-۶۳).

۴. کهن‌الگوها ملی و مذهبی

یا یک شخصیت واقعی تاریخی است، یکی از قهرمانان تاریخ که چند سال زندگی می‌کند، جنگ‌هایی انجام می‌دهد، فتوحاتی انجام می‌دهد و بعد هم مریض می‌شود یا مقتول و می‌میرد. بعد انسان همین شخصیت را از تاریخ می‌گیرد و به یک شخصیت ماورایی تبدیل می‌کنند، زیرا به گفته شریعتی: «انسان همواره برای جبران کمبودهایی که در این عالم احساس می‌کند، به دنبال کمال مطلوب ساختن است. کمال مطلوب ساختن به چه معنی است؟ آنها را نمی‌شناخته، آن قدر فرهنگ نداشته که ذات و تصویر آن کمال مطلوب‌ها را به طور مشخص درک کند، اما این حالت که او مال این جا نیست، و نیازهای متعالی‌تر دارد که عالم از برآوردنش عاجز است، تخیل و اندیشه‌ی او را وادار می‌کرد کمال مطلوب‌های فرضی را در ذهنش خلق کند و برای همین داستان می‌ساخته که این داستان سازی از ابتدای تاریخ تا حالا وجود دارد» (شریعتی، ۱۳۹۰: ۱۹).

نوع دوم الگوها اساطیری هستند که ریشه در تاریخ ندارند و زایده‌ی تفکر مردمانی است که تمام آرمان و آرزوهای خود را در آن شخصیت خلاصه می‌کند به عنوان نمونه می توان اشاره کرد که شخصیت رستم در شاهنامه به عنوان الگوی ملی که ریشه در اسطوره دارد، همواره مورد استقبال ایرانیان بوده است. بعد از ورود دین اسلام به ایران و تلفیق فرهنگ ایرانی و اسلامی و وابستگی ایرانیان به اسطوره‌ای ملی و مذهبی، شاعران در اشعارشان دست به تلفیق می‌زنند. نماد ملی در میان ایرانیان کسی جز رستم نیست. «هرگاه خورشید شخصیت رستم سر از افق اشعار حماسی و داستان‌های ملی ایران برمی‌آورد، دیگر ستارگان آسمان تاریخ باستان را چندان مجالی برای درخشش و پرتو افشانی نمی‌ماند و در واقع با طلوع او در پهنه‌ی ادبیات ایران، حماسه‌ها و مفاخرات قومی رشد می‌کند، و با افول او درخت تناور مباحات قومی به پژمردگی می‌گراید و او محوری است که تشبیهات و اغراق‌های شاعران در زمینه‌های پهلوانی‌ها و قهرمانی‌ها برگرد او می‌گردد نماد

و مظهر مذهب و اسطوره‌های مذهبی نیز حضرت علی (ع) است که در بین ایرانیان عشق شدید باطنی آن‌ها به امام علی (ع) سبب شده است که از آن حضرت چهره‌ای اسطوره‌ای و گاه فرازمانی و فرامکانی بسازند» (اردلان جوان، ۱۳۶۷: ۷۵).

پیشینهٔ پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی نقش مفاهیم مذهبی در شکل گیری گفتمان مقاومت پرداخته اند و هر یک از مؤلفه‌های مقاله (کهن‌الگو، گفتمان مقاومت، جنگ روانی، هم‌افزایی فرهنگی) به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما ترکیب آن‌ها در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم، به‌ویژه در زمینه جنگ ایران و رژیم صهیونیستی، مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأ و ارائه مدلی برای تحلیل هم‌افزایی نمادین درتقویت گفتمان مقاومت است.

-دبیری مهر، امیر (۱۳۹۸). «مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۲(۳)، ۴۵–۶۸ ⟶ .این مقاله به نقش مفاهیم مذهبی مانند عاشورا، ولایت، و شهادت در تولید گفتمان مقاومت در ایران و منطقه می‌پردازد .

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا ⟶ .تحلیل فلسفی و اجتماعی از واقعه عاشورا به‌عنوان منبع الهام‌بخش مقاومت در فرهنگ شیعی پرداخته است.

- شریعتی، علی (۱۳۵۷). تشیع علوی و تشیع صفوی. تهران: حسینیه ارشاد ⟶ .بررسی دو نوع گفتمان شیعی و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری مقاومت اجتماعدر این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

-کهن‌الگوهای ملی و حافظه فرهنگی -یونگ، کارل گوستاو (Jung, C. G.) (1968). The Archetypes and the Collective Unconscious. Princeton University Press. ⟶ معرفی مفهوم کهن‌الگو به‌عنوان ساختارهای روان‌شناختی مشترک در ناخودآگاه جمعی.

– اسمان، یان (Assmann, J.) (2011). Cultural Memory and Early Civilization. Cambridge University Press. ⟶نظریه حافظه فرهنگی و نقش نمادهای تاریخی در بازسازی هویت جمعی مورد پژوهش قرار گرفته است.

– خسروی، محمد (۱۴۰۰). «بازنمایی کهن‌الگوهای عاشورایی در رسانه‌های مقاومت». فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۱۴(۲)، ۲۳–۵۰ ⟶ .تحلیل رسانه‌ای از ترکیب نمادهای ملی و مذهبی در گفتمان مقاومت ایران است.

-رشیدپور، علی و مرادی، علیرضا (۱۳۹۹). «درآمدی بر مبانی نظری هم‌افزایی فرهنگی در گفتمان مقاومت». فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، ۱۱(۴)، ۶۷–۸۴ ⟵ .ارائه چارچوب نظری برای هم‌افزایی عناصر فرهنگی در تولید گفتمان‌های اجتماعیاست.

احمدی، بابک (۱۳۸۷). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز ⟵ .بررسی ساختارهای معنایی و نقش تأویل در انسجام گفتمانیمورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

-لاین‌بارگر، پل (Linebarger, P. M. A.) (1954). Psychological Warfare. Combat Forces Press. ⟵ کتاب کلاسیک درباره راهبردهای جنگ روانی و تأثیر آن بر افکار عمومی.

عبدی، عباس (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در مقابله با جنگ روانی». ماهنامه مدیریت رسانه، ۵(۱)، ۱۲–۲۵ ⟵ .نقد عملکرد رسانه‌ها در مواجهه با تهدیدات روانی و لزوم تولید گفتمان مقاومت است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد کیفی انجام می شود.هدف آن، بررسی نحوه‌ی باز نمایی و هم افزایی کهن الگو های ملی و مذهبی درتقویت گفتمان مقاومت و تحلیل تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه در مواجهه با جنگ روانی دشمن است.

سؤال پژوهش

۱- چگونه هم افزایی کهن الگوهای ملی ومذهبی موجب تقویت گفتمان مقاومت وافزایش تاب آوری روانی جامعه در برابر جنگ روانی دشمن می شود.؟

یافته‌های پژوهش

در جریان جنگ ۱۲روزه، رسانه‌های رسمی ایران مانند: ایرنا، صدا و سیما، و خبرگزاری تسنیم نقش مهمی در تولید و انتشار روایت های منسجم ایفا کردند. این روایت‌ها با استفاده از مفاهیم مشترک مانند دفاع مقدس، شهید وطن و مجاهد فی سبیل الله توانستند الگوهای ملی و مذهبی را تلفیق کنند(همشری آنلاین،۱۴۰۴). نمادهایی مانند تصاویر شهدا، پرچم ایران، نوحه های عاشورایی و شعارهای مقاومت در شبکه های اجتماعی و مراسم عمومی باز تولید شدند و فضای روانی جامعه را به سمت وحدت و ایستادگی سوق دادند.اسطوره‌هایی چون آرش کمانگیر، رستم دستان و کاوه آهنگر در رسانه‌ها و بیانیه‌های رسمی به عنوان نمادهای مقاومت و ایثار مطرح شدند. این نمادها نه

تنها در تقویت روحیه عمومی موثر بودند، بلکه در شکل‌گیری شبکه‌های مردمی اطلاعاتی نیز نقش داشتند. مثلا در روزهای ابتدایی جنگ ، فراخوان‌هایی با شعار "کمان آرش در دستان ماست" در فضای مجازی منتشر شد که بسیج مردمی برای رصد تحرکات دشمن انجامید. در کنار آن فرهنگ عاشورایی ، با محوریت امام حسین(ع) و حضرت زینب(ع) در قالب نمادهای شهادت طلبی و ایستادگی موجب همبستگی ملی شد. در مراسم‌های عزاداری و تجمعات مردمی، اطلاعات میدانی از مناطق آسیب دیده و تحرکات مشکوک دشمن به صورت خودجوش جمع آوری و به نهادهای امنیتی منتقل شد .این پدیده، نمونه های از اطلاعات مردمی به پشتوانه پیوند کهن الگو های ملی و مذهبی بود.که در ادامه سروده ها و مداحی های که با این مضمون در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل از رسانه ملی و فضای مجازی باز نشر شد مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، این مداحی‌ها در بحبوحه جنگ«صحنه نبرد را از آسمان و زمین به قلب ها و ذهن ها کشاند » (فارس نیوز،۱۴۰۴). با استفاده از کهن الگوهای عاشورایی، ملی و مقاومت، مخاطبان را به همدلی و ایستادگی فرا خواند و سبب تقویت گفتمان مقاومت گردید.

نمونه های مستند این مداحی ها با محوریت پیوند کهن الگو های ملی و مذهبی با هدف تقویت گفتمان مقاومت

پیوند کهن الگویی	مضمون	مداح	عنوان اثر
ایران+عاشورا	ایران سرزمین مقدس	محمود کریمی	ای ایران
قهرمان ملی+موعود مذهبی	جوانان ایرانی در خط مقدم	حسین طاهری	نسل سلمان
انتظار+وطن دوستی	ظهور مقاومت	محمد حسین پویانفر	موعود
مادران شهید+کودک قهرمان	مظلومیت کودکان غزه	مهدی رسولی	نان خونین
رزمنده ایرانی+سرباز حسینی	خطاب به دشمن	حسین طاهری	حریفت منم

عاشورا+جهاد آخرالزمانی	وعده انتقام الهی	ابوذر روحی	یوم الانتقام

در مجموعه ای از آثار منتشر شده ، بیش از ۲۵ مداحی و سروده استودیویی با محوریت مقاومت،جهاد اسلامی ،و مقابله با اسرائیل منتشر شد حال برخی از این مداحی ها تشریح می شود.(پایگاه خوشحال،۱۴۰۴).

تحلیل مداحی "ای ایران" محمود کریمی

محمد کریمی با بازخوانی ترانه کلاسیک ایران ایران که پیش تر توسط محمد نوری اجرا شده بود ،آن را به نوحه‌ای آیینی تبدیل کرد. این اثر با تلفیق واژگان میهن پرستانه و لحن عاشورایی، نماد بارزی از پیوند وطن دوستی و فرهنگ شهادت بود که در ناخوداگاه جمعی ما ایرانیان است .استفاده از تصاویر شهدا، پرچم ایران، حرم امام حسین (ع) در نماهنگ این نوحه، حس همبستگی ملی و مذهبی را تقویت کرد و این بازخوانی با استقبال گسترده در رسانه ملی و فضای مجازی روبه رو شد و به یکی از نماد های فرهنگی و مقاومت تبدیل شد.

ای میهن خدایی،صحن امام رضایی/ ایران ذولفقاری و ایران عاشورایی/در روح و جان من می مانی ای وطن/تویی تویی تو هستی،حرم تویی تو خانه من(کریمی ،۱۴۰۴).

در روح و جان من می مانی ای وطن زیبا تر و کامل تر از آنچه که در حسینیه امام خمینی (ره)دیده شد، زمانی بود که رهبرمعظّم انقلاب به حاج محمود کریمی فرمودند "ای ایران بخوان"و آنجا بود که صدای نوحه و سینه زنی در هم آمیخت. ترکیب وصف ناپذیر و جدا نشدنی مذهب و ملیت که دشمن با برنامه ریزی از پیش تعیین شده و البته عده‌ای از روی ناآگاهی و غفلت بر طبل جدایی و تقابل آنها از یکدیگر تلاش و ادعا می کردند که مذهبی و انقلابی بودن با ایران دوستی و میهن پرستی قابل جمع نیست .ای میهن خدایی/ایران کربلایی ایران ذولفقار و ایران عاشورایی و این نشان داد که عاشورا برای ملت ایران فراتر از یک قطعه تاریخی است، چیزی که هویت و ناخوداگاه جمعی ما را شکل می‌دهد و به نوعی عزاداری هویتی و تاریخی است .

وطن دوستی در فرهنگ ایرانی، یک کهن الگوی بنیادی است که در اسطوره ها،آیین‌ها ، شعر و مقاومت بازتاب یافته است. این مفهوم، نه تنها احساس تعلق، بلکه مسئولیت ، ایثار و پیوندی معنوی با سرزمین را در بر دارد ."وطن دوستی ایرانی، تاریخی ، فرهنگی و فراگیر است ؛ وابسته به نهادی سیاسی نیست . در مقابل ناسیونالیسم مدرن، محصول دولت سازی و همسان سازی اجتماعی است "(صدانت،۲۰۲۱: ۵). کهن الگوی وطن دوستی ، به دلیل تکرار در اسطوره ها و آیین ها ، در ناخوداگاه جمعی فعال است . اطلاعاتی که با این الگو هم خوانی دارند، سریع تر جذب و پردازش می شوند.(Jung. 1968:p:61).کهن الگوی وطن دوستی ، با فراهم کردن یک چارچوب معنایی مشترک، سبب انسجام اطلاعاتی در جامعه می شود. این انسجام ، نه تنها فهم مشترک را تقویت می کند، بلکه به همدلی ، هویت سازی و مقاومت فرهنگی نیز منجر می شود. در عصر اطلاعات، بهره گیری از کهن الگو ها، راهی برای معنا بخشی به داده ها و جلوگیری از پراکندگی شناختی است.

۱.بازنمایی گفتمان مقاومت در برابر جنگ روانی

در شرایطی که جنگ روانی دشمن با هدف تضعیف روحیه عمومی جریان داشت،این مداحی با لحن حماسی و واژگان انگیزشی،نقش مهمی برای مقابله با جنگ روانی دشمن ایفا می کرد:

-تقویت امید و غیرت: تا وقتی با تو باشد این غیرت حسینی"جمله ای است که به طور مستقیم به تاب آوری روانی اشاره دارد.

-باز سازی اعتماد جمعی: استفاده از واژگان "دست مردان تو در دست خدا" و "مهد وفا" به بازنمایی قدرت الهی و مشروعیت مقاومت می پردازد.

-خنثی سازی تهاجم روانی: با تاکید بر "ایران کربلایی"دشمن به عنوان یزید زمان معرفی می شود و مقاومت به عنوان وظیفه ی دینی و ملی باز تعریف می گردد.

۲.ابعاد روان شناختی و فرهنگی

از منظر سلامت روانی ،این مداحی نقش مهمی در تحلیه هیجانی،تقویت احساس معنا و کاهش اضطراب جمعی دارد:

-تخلیه هیجانی:موسیقی حماسی،لحن پرشور و واژگان عاطفی،بستر مناسبی برای تخلیه روانی فراهم می کند.

-احساس معنا:پیوند ایران با کربلا،وطن با ایمان،مقاومت با شهادت،به زندگی مردم درشرایط جنگی معنا می بخشد.

-تقویت هویت جمعی:مخاطب احساس می کند بخشی از یک ملت مقاوم و مومن است،نه قربانی یک جنگ.

تحلیل مداحی" یوم الانتقام" ابوذر روحی در گفتمان مقاومتپ

یوم انتقام نزدیک است،وعده خداست /،وعده خون شهید است/از خون جوانان وطن ،بوی انتقام می آید(روحی،۱۴۰۴).

۱.عنوان بار معنایی آن

این مداحی با تکیه بر آیه شریفه وسیعلم الذین ظلموا ای منتقلب ینقلبون(شعرا:۲۲۷) وعده انتقام الهی را به عنوان یک اصل قرآنی مطرح می کند. در اینجا کهن الگوی عاشورا (انتقام خون مظلوم) با مفهوم ملی(دفاع از خاک)پیوند خورده است ومخاطب، خود را در جایگاه منتقم خون شهدای وطن می بیند که هم زمان حس ملی و دینی را تجربه می کند.

۲.ساختار روایی و گفتمانی

مداحی با لحن حماسی و تهییجی آغاز می شود و به تدریج وارد فضای عرفانی و ایمانی می شود.روایت آن بر سه محور استوار است۱-مظلومیت تاریخی: اشاره به فلسطین ،کودکان شهید،ملت های ستم دیده است.۲-وعده انتقام الهی که استفاده از واژگان قرآنی و عاشورایی برای مشروعیت بخشی به مقاومت است ۳-دعوت به قیام و همبستگی خطاب به امت اسلامی،بسیج مردمی و آمادگی برای مقابله با دشمن که این ساختار مخاطب را از احساس اندوه و خشم مقدس و سپس به امید و انتظار فعال هدایت می‌کند.

۳.تلفیق نماد های مذهبی و سیاسی

مداحی به طور هوشمندانه ای کهن الگو های مذهبی (کربلا،امام حسین،حضرت مهدی)را با نماد های سیاسی(فلسطین،مقاومت،شهادت طلبی) تلفیق می کند. قدس به عنوان کهن الگوی مظلومیت و آرمان نهایی و ظهوربه عنوان کهن الگوی پایان ظلم،شهید به عنوان قهرمان گفتمان مقاومت که این تلفیق ها،گفتمان مقاومت را از سطح سیاسی به سطح ایمانی ارتقا می دهد و آن را به وظیفه‌ای مقدس تبدیل می‌کند.

۴. نقش روان شناختی در مواجهه با جنگ روانی دشمن

در بستر جنگ ۱۲ روزه،دشمن با انتشار تصاویر خشونت،اخبار جعلی و تحلیل نا امید کننده،تلاش کرد روحیه‌ی عمومی را تضعیف کند.مداحی "یوم الانتقام" با لحن تهییجی،موسقی حماسی و واژگان ایمانی،نقش مهمی ایفا کردو تاثیر های مانند: تخلیه هیجانی که مخاطب با شنیدن مداحی،احساس خشم ،اندوه و امید را به صورت جمعی تجربه کرد.همچنین موجب تقویت معنا و هدف گردید که مقاومت نه تنها واکنش سیاسی،بلکه وظیفه‌ای الهی و تاریخی معرفی می شود .همچنین افزایش تاب آوری روانی که مخاطب احساس می‌کند بخشی از یک امت مقاوم و منتظر ظهور است.

۵.جایگاه مداحی در گفتمان فرهنگی مقاومت

این مداحی فراتر از یک اثر هنری، به یک بیانیه فرهنگی تبدیل شد.در فضای مجازی،مراسم عزاداری،و رسانه‌های رسمی"یوم الانتقام"به نماد همبستگی و خشم مقدس تبدیب شد.باز نشر گسترده آن، نشان دهنده‌ی پذیرش عمومی و تاثیر گذاری روانی آن یود.

تحلیل مداحی" نسل سلمان"حسن طاهری در گفتمان مقاومت

ما نسل سلمانیم،سرباز صاحب الزمانیم/خاک وطن را با خونمان بیمه کرده ایم/اگر دشمن قدم بردارد،با صاعقه پاسخ می دهیم (طاهری،۱۴۰۴).

۱.عنوان وبار نمادین آن

در این مداحی سلمان فارسی به عنوان یک کهن الگوی تاریخی ،ایران را با اسلام پیوند می دهد.کهن الگوی قهرمان ملی با سرباز مهدی ترکیب شده است. این اثر ،جوان ایرانی را در جایگاه تاریخی قرار می‌دهد.هم فرزند ایران است ،هم سرباز امام زمان،این پیوند، انسجام هویتی و اطلاعاتی را تقویت می‌کند، زیرا مخاطب پیام سیاسی ، دینی و تاریخی را در یک ساختار منسجم دریافت می کند.

۲.ساختار روایی و گفتمان سازی

مداحی با لحن حماسی و تهییجی اغاز می شود و با روایت هایی از عاشورا،دفاع مقدس و مقاومت امروز ادامه می یابد.ساختار آن بر سه محور استوار است:

۱.تاریخ مندی مقاومت:از کربلا تا خرمشهر تا غزه و قدس که همه در کهن الگوی جمعی نماد های مقاومت هستند.

۲. هویت سازی نسلی: نسل امروز به عنوان وارثان ایمان و غیرت هستند.

۳.دعوت به ایستادگی: خطاب به جوانان، بسیجیان و امت اسلامی برای مقابله با ظلم که در مقابل ظلم و ستم ایستادگی داشته باشند.

این روایت مخاطب را از گذشته به حال و آینده پیوند می دهد و حس مسئولیت تاریخی ایجاد می کند.

۳.تلفیق کهن الگوهای ملی و مذهبی

کهن الگو های ملی شامل:اشاره به غیرت ایرانی ،خون شهدا،دفاع از وطن با کهن الگو های مذهبی عاشورایی مانند:حضرت عباس،امام زمان و انتظار ظهور تلفیق می شوند.این تلفیق ،گفتمان مقاومت را از یک موضع سیاسی به یک موضع فرهنگی –روانی ارتقا می دهد.

تحلیل مداحی "موعود" محمد حسین پویانفر در گفتمان مقاومت

تو می آیی و ما هنوز در سنگر مانده ایم/صدای قدمت هایت را از غزه تا تهران شنیده‌ایم(پویانفر،۱۴۰۴).

۱.محتوای شعر و روایت سازی مقاومت

شعر این مداحی با تصاویری اطراف شهرهای جنگ زده،کودکان شهید،مادران داغ دیده و دختران اسیر آغاز می شود:

"یه شهر بی تفنگ،یه شهر نیمه جون دوباره انتظار

دوباره طبل جنگ دوباره رد خون،صدای انفجار..."

این تصاویر ،مخاطب را به فضای جنگ روانی و بحران انسانی می برد و با ایجاد هم ذات پنداری ،احساسات جمعی را بر می انگیزد.سپس،با فراخوانی به امام مهدی"موعود یا مهدی ادرکنی"شعر از وضعیت بحرانی به امید و رهایی گذر می کند.

۲.کهن الگوهای مذهبی و ملی

موعود گرایی شیعی:فراخوان به امام زمان،نماد نهایی عدالت و نجات،به عنوان کهن الگوی مذهبی در متن مداحی برجسته می شود.این عنصر،مخاطب را از وضعیت اضطراب به امید و پایداری سوق می دهد.قهرمان جمعی:نوجوانانی که "با خون وضو می گیرن"بازنمایی از قاسم بن الحسین و دیگر شهدای نوجوان کربلا هستند.این تصویر،کهن الگوی "شهید مظلوم"را فعال می کند.

۳.کارکرد روانی و رسانه ای

مداحی"موعود"نه تنها در مراسم مذهبی،بلکه در شبکه های اجتماعی و رسانه های مقاومت بازنشر شد و ابزاری برای مقابله با جنگ روانی تبدیل شد.تکرار فراخوان "یا مهدی ادرکنی"در پایان هر بند، نوعی گفتمان جمعی ایجاد می کند که به تقویت روحیه و انسجام روانی مخاطب کمک می کند.

۴.جایگاه در گفتمان مقاومت

این مداحی ،با بهره گیری از زبان حماسی،تصاویر دردناک،و امید به ظهور،توانست در دل بحران،گفتمانی خلق کند که هم زمان سوگ،اعتراض و امید را در خود دارد.در جنگ ۱۲ روزه،جنین آثاری هنری نقش مکملی در کنار رسانه های رسمی ایفا کردند و به بازنمایی مقاومت مردمی کمک نمود.این مداحی ،انتظار ظهور را با مقاومت ملی پیوند می زند.کهن الگوی موعود با رزمنده وطن ترکیب شده است. مخاطب ، خود را نه تنها منتظر امام زمان ، بلکه فعال در مسیر ظهور می بیند. این نوع گفتمان مقاومت مربوط به جنگ، شهادت و آینده نگری را در یک روایت واحد قرار می دهد.

تحلیل مداحی" نان خونین"مهدی رسولی

نان خونین سفره کودکان غزه ،شرم تاریخ است

هر قطره خون شان،آتشی است که از خاک ایران زبانه می کشد(رسولی،۱۴۰۴).

۱.محتوا و روایت سازی نمادین

مداحی "نان خونین"با تصویر سازی از سفره ای که با خون شهدا رنگین شده،آغاز می شود.این تصویر ،هم زمان نماد مظلومیت،ایثار،پایداری است.نان،به عنوان نماد معیشت و زندگی،وقتی با خون اغشته می شود،به نماد مقاومت بدل می گردد.

"نان خونین سفره بی صدا/سهم ما از این جهان ،کربلا"

این بند،با بهره گیری از استعاره های قدرتمند،مخاطب را از وضعیت روزمره به فضای حماسی و آرمانی منتقل می کند.

۲.کهن الگوی مذهبی و ملی

.کربلا به مثابه کهن الگوی مقاومت:مداحی با ارجاع مکرر به عاشورا،امام حسین و حضرت زینب،از کهن الگو های شیعی بهره می گیرد تا مفاهیم پایداری ،مظلومیت و شهادت را باز آفرینی کند.مردم وارثان قهرمانان:مخاطب مداحی ،نه صرفا شنونده،بلکه ادامه دهنده راه شهدا معرفی می شود.این عنصر،حس مسئولیت و مشارکت جمعی را تقویت می کند.

۳.مقابله با جنگ روانی

در شرایطی که دشمن با ابزار های رسانه ای و روانی تلاش در تضعیف روحیه مردم دارد،این مداحی با بازنمایی مظلومیت و ایستادگی،نوعی ضد روایت خلق می کند.تکرار مضامین عاشورایی،مخاطب را به ریشه های فرهنگی و مذهبی خود پیوند می زند و در برابر اضطراب و ناامیدی،سپری معنوی ایجاد می کند.

در این مداحی کهن الگوی کودک مظلوم با مادر شهید و امت واحده ترکیب شده است. پیام های انسانی، سیاسی و دینی در قالب عاطفی و حماسی ارائه می شوند. مخاطب هم دردی با کودکان فلسطینی را نه تنها وظیفه انسانی،بلکه مسئولیت دینی و ملی می بیند.

تحلیل مداحی "حریفت منم"حسین طاهری در گفتمان مقاومت

ای دشمن،حریفت منم

نه آن که در رسانه ها می بینی

من فرزند عاشورایم،از نسل قاسم و سلیمانی ام(طاهری،۱۴۰۴)

در این مداحی با زبان تهدید و حماسه ،کهن الگوی رزمنده ایرانی را با سرباز حسینی ترکیب می کند.مخاطب، خود را وارث خون شهدا، مدافع وطن و ادامه دهنده راه عاشورا می بیند. این اثر اطلاعات نظامی ، رسانه ای و دینی را در قالب واحد و منسجم ارائه می دهد. لحن چالش گرانه مداحی ،نوعی بازدارندگی روانی ایجاد می کند.مخاطب احساس می کند که در جبهه ای قدرتمند ایستاده و دشمن را به مبارزه می طلید.این اثر در فضای مجازیو رسانه های مقاومت به طور گسترده منتشر شد و ابزاری برای تقویت روحیه عمومی در شرایط بحرانی بدل گردید.اگر چه این مداحی به طور مستقیم به نماد های ملی اشاره نمی کند،لحن آن با روحیه حماسی اسطوره های ایرانی مانند آرش ،رستم و سیاوش هم خوانی دارد.این هم افزایی ضمنی،باعث می شود که مخاطب ایرانی،مداحی را نه فقط مذهبی،بلکه ملی نیز تلقی کند.

در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، فضای فرهنگی کشور شاهد تولید و انتشار گسترده ای از اثار هنری ،سروده های حماسی، مداحی های استودیویی ، تعزیه‌های خیابانی و نمایش‌های آیینی بود که همگی با هدف تقویت روحیه ملی ،انسجام دینی و مقاومت فرهنگی شکل گرفت. این آثار ، با بهره گیری از کهن الگوهای عاشورایی، مهدوی، وطن دوستی و قهرمان محوری، توانستند اطلاعات رسانه‌ای ، احساس تاریخی را در یک ساختار منسجم به مخاطب منتقل کنند.

سروده های حماسی و دیگر آثار هنری با مضمون ملی - مذهبی

در روزهای اوج درگیری،سروده های مانند"ما ملت امام حسینیم" و "ایران وطن عشق"از شبکه های رسمی و مردمی پخش شدند .این آثار با ترکیب نمادهای پرچم ،شهید، امام حسین(ع) کهن الگوهای وطن دوستی را با عاشورا پیوند دادند. تعزیه و نمایش های آیینی، هنرهای تجسمی و خوشنویسی، شاهنامه خوانی و بازآفرینی اسطوره های ایرانی همه نشان دهنده‌ی تلفیق کهن الگوهای قهرمان ملی با رزمنده‌های حسینی است و مخاطب را در جایگاه مدافع وطن و دین قرار داد(وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی،۱۴۰۴).هویت ایرانی ، گفتمانی منحصر به فرد از فرهنگ، معنویت و مقاومت است که در بزنگاه هایی مانند دفاع مقدس و جنگ‌های منطقه‌ای ، در قالب هنر و آیین باز تولید می شود (رهدار، ۱۴۰۴).تحلیل گفتمان مقاومت بر سروده ها ،تعزیه ها و هنرهای تجسمی که در این زمان از رسانه های رسمی ومردمی پخش شد.

۱.تعزیه :باز آفرینی حماسه در بستر بحران

تعزیه،به عنوان یکی از اصیل ترین هنرهای آیینی ایران،در این دوره بار دیگر به صحنه آمد و نه فقط واقعه عاشورا،بلکه مفاهیم مقاومت،ایثار و مظلومیت را بازنمایی کرد.

۲.هنرهای تجسمی:تصویر مقاومت در قاب معنا

در رسانه ملی ،آثار تجسمی متعددی پخش شد که هر کدام حامل پیام هایی از ایثار ،شهادت و پایداری بودند:

نقاشی‌های دیواری و پوستر های گرافیکی:با تصویر سازی از کودکان شهید،مادران مقاوم رزمندگان.این آثار توانستند احساسات جمعی را برانگیزند.استفاده از نماد های ملی و مذهبی:ترکیب پرچم ایران با نماد های عاشورایی(مثل علم کتیبه،رنگ سرخ) باعث شد که مخاطب هم زمان حس ملی گرایی و دینداری را تجربه کند.

.بازنمایی چهره های مقاومت:چهره هایی مانند شهید سلیمانی،نوجوانان شهید،مادران شهید به عنوان نماد های زنده مقاومت در آثار تجسمی برجسته شدند.

یافته‌ها:

۱.بازنمایی هم افزایی نمادهای ملی و مذهبی در رسانه‌ها.

تحلیل محتوای رسانه های رسمی و شبکه های اجتماعی نشان داد که در طول جنگ ۱۲ روزه، نماد های ملی (مانند آرش ،رستم،پرچم ایران،سرود های حماسی) و مذهبی (مانند عاشورا،امام حسین(ع)،شعار هیهات منا الذله)به صورت هم زمان و تلفیقی بازنمایی شدند.این هم افزایی موجب شکل گیری گفتمانی منسجم و چند لایه شد که توانست مخاطبان با گرایش های مختلف را در یک جبهه روانی متحد کند.

۲.خنثی سازی بخشی از جنگ روانی دشمن از طریق روایت سازی داخلی

دشمن با انتشار اخبار جعلی ،تصاویر تحریف شده و تحلیل های نا امید کننده،تلاش کرد روحیه ی عمومی را تضعیف کند.با این حال،روایت های داخلی با تاکید بر پیروزی های نمادین،شهادت طلبی ،مقایسه جنگ با عاشورا،توانستند بخشی از این تهاجم روانی را خنثی کرده و اعتماد عمومی را بازسازی کنند.

۳.افزایش همبستگی اجتماعی و کاهش شکاف های سیاسی-فرهنگی

یافته ها نشان داد که در جریان جنگ ،افراد با گرایش های سیاسی و فرهنگی متفاوت،در مواجهه با تهدید مشترک،به واسطه ی گفتمان مقاومت مبتنی بر نمادهای مشترک،به همبستگی روانی و اجتماعی رسیدند.این هم افزایی موجب کاهش تنش های داخلی و تقویت انسجام ملی شد.

۴.نقش نهاد های مذهبی و فرهنگی در مدیریت روانی بحران

نهاد هایی مانند مساجد ،هیئت ها،مراکز فرهنگی و رسانه های ملی با تولید محتواهای نمادین،برگزاری مراسم دعا و سوگواری،و بازنمایی قهرمان جنگ ،بستر تخلیه هیجانی و آرامش روانی را برای مردم فراهم کردند.این اقدامات،به ویژه در مناطق آسیب دیده،نقش حیاتی در حفظ سلامت روانی ایفا کردند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه موردی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نشان داد که کهن الگوهای ملی و مذهبی ، نه تنها در سطح نمادین، بلکه در تقویت گفتمان مقاومت نقش فعالی ایفا می‌کنند. مداحی ، سروده‌ها ، تعزیه ها، شاهنامه خوانی‌ها و هنرهای تجسمی همگی با بهره گیری از الگوهای بنیادینی چون عاشورا، وطن دوستی، انتظار موعود و قهرمان محوری ، توانستند پیام‌های رسانه ای ، احساسی، تاریخی و دینی را در یک چارچوب معنایی مشترک باز تولید کنند. این پیوند کهن الگویی، موجب تقویت گفتمان مقاومت شد؛ همچنین، این انسجام به همدلی اجتماعی ، تقویت روحیه مقاومت، و بازسازی هویت ایرانی – اسلامی در مواجهه با بحران کمک کرد. در مقابل دشمنان ایران اسلامی با بهره گیری از ابزارهای جنگ شناختی ، عملیات روانی و رسانه‌های بین المللی تلاش کردند تا این انسجام را تضعیف کنند.آنها با انتشار اخبار جعلی، تحریف نمادهای ملی و مذهبی و القای دوگانگی میان هویت ایرانی و اسلامی ، سعی داشتند کهن الگوهای فرهنگی را بی اعتبار سازند و جامعه را دچار سردرگمی معنایی کنند. اما واکنش مردم، به ویژه در قالب تولیدات هنری و آیینی، نشان داد که کهن الگوها همچنان ظرفیت بالایی برای مقاومت در برابر تهاجم و جنگ روانی دارند.

یافته های این مقاله نشان می‌دهد که بهره گیری آگاهانه از کهن الگوها در تولیدات فرهنگی، می تواند به عنوان راهبردی موثر در مدیریت افکار عمومی ، تقویت انسجام ملی ، و مقابله با جنگ شناختی مورد استفاده قرار گیرد. در شرایطی که اطلاعات پراکنده و متنوع در فضای رسانه‌ای جریان دارد، کهن الگوها نقش نظام دهنده معنایی را ایفا می کنند و به بازسازی روایت‌های جمعی کمک می‌نمایند. بنا بر این ، پیشنهاد می‌شود که در سیاست گذاری فرهنگی و رسانه‌ای ، توجه ای ویژه به ظرفیت های کهن الگوهای ملی و مذهبی در تولید محتوا، آموزش عمومی و تقویت هویت اجتماعی صورت گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اردلان جوان، سیدعلی (۱۳۸۷). تجلی شاعرانه اساطیر و روایت تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳. احمدی، بابک (۱۳۸۷). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.

۴. بیلسکر، ریچارد(۱۳۸۴). یونگ، مترجم حسین پاینده، تهران، طرح نو.

۵. بهروز لک،غلامرضا (۱۳۸۶).کاربرد تحلیل گفتمان در مطالعات سیاسی اسلامی،مجموعه مقالات روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام،تهران،دانشگاه امام صادق(ع).

۶. برژنسکی،زبینگو (۱۳۶۹).در جستجوی امنیت ملی ،ترجمه ابراهیم خلیلی،تهران،سفیر.

۷. پایگاه خوشحال(۱۴۰۴) .گلچین مداحی های مقاومت و جهاد اسلامی . Khooshhal.ir/music

۸. جعفری هزارانی،نورالدین(۱۴۰۳) تحلیل جامع توانمندی های نظامی و راهبردی اطلاعاتی ایران و اسرائیل بازیابی شده از http://civilica/not/5349

۹. خسروی، محمد (۱۴۰۰). «بازنمایی کهن‌الگوهای عاشورایی در رسانه‌های مقاومت». فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۱۴(۲)، ۲۳–۵۰.

۱۰. رشیدپور، علی و مرادی، علیرضا (۱۳۹۹). «درآمدی بر مبانی نظری هم‌افزایی فرهنگی در گفتمان مقاومت». فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، ۱۱(۴)، ۶۷–۸۴.

۱۱. دبیری مهر، امیر (۱۳۹۸). «مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۲(۳)، ۴۵–۶۸.

۱۲. دقیقیان، شیرین‌دخت (۱۳۸۷). شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی. چاپ دوم. تهران: مروارید.

۱۳. دین پرست،فائزه(۱۳۸۹).تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران،تهران،دانشگاه امام صادق (ع).

۱۴. رهدار،احمد(۱۴۰۴) راز ماندگاری تمدن ایرانی در پیوند دین و هویت ملی بازیابی شده از http://www.agaah.ir/news/۱۵۵۶۵

۱۵. سوسور،فردینان دو(۱۳۷۸).دوره زبان شناسی عمومی،ترجمه کورش صفوی،تهران،هرمس.

۱۶. شریعتی، علی (۱۳۹۰). علی حقیقتی بر گونهٔ اساطیر، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۷. ---------- (۱۳۵۷). تشیع علوی و تشیع صفوی. تهران: حسینیه ارشاد.

۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). نقد ادبی، چاپ نخست، ویراست دوم، تهران: میترا.

۱۹. صدانت(۲۰۲۱). وطن در برابر ناسیونالیسم دو سرمشق تعریف هویت اجتماعی بازیابی شده از (۳danet.ir).

۲۰. عبدی، عباس (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در مقابله با جنگ روانی». ماهنامه مدیریت رسانه، ۵(۱)، ۱۲–۲۵.

۲۱. عیوضی،محمد و همکاران(۱۴۰۳). انسجام مذهبی در ایران و ارتباط آن با امنیت ملی ،تهران،اندیشه.

۲۲. لک،منوچهر(۱۳۸۴). هویت ملی در شعر دفاع مقدس ،فصلنامه مطالعات ملی ،ش ۲ ص۱۳۲-۱۱۱.

۲۳. لک زایی،نجف و دیگران(۱۳۸۴).امنیت ملی و دولت اسلامی از منظر فقه شیعه،فصلنامه سیاست متعالیه،سال چهارم،شماره ۱۴،۴۱-۶۱.

۲۴. میر قادری،کیان (۱۳۹۱).بن مایه ادبیات مقاومت در قرآن،دوره اول ،شماره اول.

۲۵. محمدی سیرت و ترابی اقدام(۱۳۹۶).الگوی نمایش نقش امنیت آفرین هشدای محور مقاومت در رسانه ملی،در فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس،سال سوم،شماره ۱.بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا.

۲۷. نوروزی ،محمد تقی (۱۳۸۵).فرهنگ دفاعی –امنیتی،تهران،سنا.

۲۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی(۱۴۰۴). تشریح فعالیت های فرهنگی و هنری در مناسبت های ملی و مذهبی.

۲۹. همشهری آنلاین(۱۴۰۴).جزئیات تازه از اسنادی که ایران از اسرائیل در اختیار گرفته بازیابی شده از https://www.hamashahri.onlin.ir/news/95375

۳۰.یونگ ،کارل گوستاو(۱۳۶۸) چهار صورت مثالی ،ترجمه پروین فرامرزی،مشهد ،معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی،مشهد.

۳۱. یاوری، حورا (۱۳۸۲). روانکاوی اسطوره‌ای گستره اسطوره. گفتگوهای محمد رضا ارشاد، تهران: هرمس، صص ۳۷۵-۳۵۱ .

32. Jung,c.g(1968).the Archetypes,and the collective unconscious.princeton university press.

33. Castells,M(2009).communication.power.oxford university prss.

34.(Assmann, J.) (2011). Cultural Memory and Early Civilization. Cambridge University.

35.(Jung, C. G.) (1968). The Archetypes and the Collective Unconscious. Princeton University Press.

36.Linebarger, P. M. A.) (1954). Psychological Warfare. Combat Forces Press.